پژوهش دینی

*Pazhouhesh Dini*

شمارهٔ ۳۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صص ۱۳۷ـ۱۵۸ (مقاله پژوهشی)

No. 39, Autumn & Winter 2019/2020

# انگاره‌های روایی نااستوار در ازدواج پیامبر اکرم (ص) و زینب بنت جحش با تاکید بر لغزش‌های خاورشناسان

اعظم سادات شبانی[۱]، حسین ستار[۲]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۴/۲۶ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۶/۱۶)

## چکیده

*یکی از عوامل مهم در ایجاد افتراء به شخصیت رسول اکرم (ص) توسط مستشرقان معاند، ناآگاه یا کج فهم، وجود اشکالات فراوان در روایات اسلامی است که به فعالیت‌های فقه الحدیثی توسط محدثان و متخصصان این فن نیاز دارد. عمده این روایات که مربوط به عامه مسلمانان است و برخی از آن روایات به جوامع حدیثی شیعه نیز وارد شده است، از لحاظ سندی و متنی اشکالات فراوانی دارد. در رابطه با ازدواج رسول اکرم(ص) با زینب بنت جحش روایات مربوطه معضلات عدیده‌ای را در فهم دقیق آن واقعه ایجاد نموده و لازم است این بار با نگاه منتقدانه به منابع حدیثی، شیوه دیگری از تحلیل افسانه ازدواج پیامبر(ص) با زینب بنت جحش در پیش گیریم. در این پژوهش نقد روایات مربوطه با روش تحلیل محتوا با این هدف صورت گرفت که راه بر نقد نادرست مستشرقان دیگر بسته شود.*

کلید واژه‌ها: *مستشرقان، ازدواج رسول‌اکرم، زینب بنت جحش، روایات*

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان، (نویسنده مسئول)؛ az.shabani75@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان؛ tadrik1390@gmail.com

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

## ۱ـ بیان مسئله

از جمله سوال‌هایی که مستشرقان و برخی اسلام پژوهان مطرح می‌کنند رفتارهای روزمره حضرت رسول (ص) و تشکیک یا رد عصمت ایشان است. یکی از مواردی که در این رابطه به آن استناد می‌شود ازدواج رسول اکرم(ص) با زینب بنت جحش است که در این زمینه برخی مستشرقان مغرض ایشان را به شهوت و دنیاپرستی متهم نموده و ارتکاب گناه برای پیامبران را امری معقول فرض نموده، اشتباه و تمایلات بشری انبیاء را محال نمی‌دانند. آنان تعدد زوجات پیامبر اکرم و به خصوص ازدواج ایشان با زینب بنت جحش را حجتی در این زمینه تصور نموده و نظرات شاذ خود را بیان می‌کنند.

مسئله مهم دیگر در رابطه با ازدواج پیامبر با زینب، استخراج چندین حکم از این ماجرا و اعتبار فقهی پیدا کردن آن است که خود صحه‌ای بر اهمیت این ازدواج است. احکامی چون فرزندخواندگی (الأحزاب، ۳۷)، استحباب ولیمه دادن برای ازدواج (ابن بابویه، ۲۳۹/۱؛ شاه ولی‌الله دهلوی، ۲۴/۲)، نیاز نداشتن به اذن ولی زوجه در ازدواج مجدد (ابن بابویه، ۲۹/۵) استحباب خواندن نماز به هنگام آمدن خواستگار و ولایت فقیه از این موارد است.[۱]

---

۱. در رابطه با چگونگی شکل‌گیری این ازدواج و نقد مستشرقان تحقیقات در خور توجهی صورت گرفته که به طرح موضوع پرداخته و با بررسی آیه مربوط به این پیوند اشاره و تفاسیر بازگو شده است. نمونه این پژوهش‌ها در تفاسیر عبارتند از: تفاسیر قرآن کریم ذیل آیات ۳۶ـ۳۸ سوره احزاب، از جمله تفاسیر جامع البیان، التبیان، روض الجنان، متشابه القرآن و مختلفه، مجمع البیان، التحریر و التنویر، تفسیر القرآن العظیم، الدرالمنثور، مفاتیح الغیب و المیزان. در برخی منابع تاریخی و سیره همچون الطبقات الکبری و تاریخ کامل به صورت پراکنده و فشرده آمده است. کتبی نیز در این رابطه نوشته شده است، ازجمله: "*زوجات النبی (ص) فی واقعنا المعاصر*" به قلم جاسم محمد المطوع؛ قاهره: داراقرا، ۱۴۲۴ق. مقالات فراوانی نیز در سالهای اخیر در این زمینه به نگارش درآمده است، از جمله می‌توان به مقاله"پیوند آسمانی، نقد افسانه دلباختگی پیامبر (ص) به زینب دختر جحش"نوشته علی اسدی در مجله پژوهشهای قرآنی در پاییز ۹۷ به عنوان آخرین مقاله در این زمینه اشاره کرد. تمامی این پژوهش‌ها بیشتر ناظر به آیات قرآنی بوده و کار روایی و فقه الحدیثی چندانی صورت نگرفته است.

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

در عین حال مسئله اساسی در این پژوهش، شناسایی و نقد عوامل این اتهام بـه پیـامبر است. با توجه به نظرات مستشرقان در این زمینه در این مقاله، استنادهای آنان را واکـاوی نموده و خصوصاً در میان دلایل آنان به روایاتی که استناد کرده‌اند خـواهیم پرداخـت و بـا نقد این روایات تلاش می‌کنیم تا منشاء بروز چنین شبهاتی را بررسی و نقد کنیم.

## ۲ـ موضع خاورشناسان در ازدواج پیامبراکرم با زینب بنت جحش

"داستان‌های مربوط به ازدواج پیامبر (ص) با زینب بنت جحش (نکـ : طبری، ۵۶۲/۲) باعث شده بعضی از مستشرقان از پیامبر(ص) یک "دون ژون" شرقی ساخته‌اند کـه شـیفته زنان است و همچون سلاطین حرامسرا تشکیل می‌دهد. تربیت اخلاقی مسـیحیت، زیبـایی زن را فریب شیطان می‌شمرد و گرایش به او را فساد و انحطاط، تا جایی کـه تـرک ازدواج را مایه خشنودی خدا می‌داند." (شریعتی، ۱۳ـ۱۵) عباس محمود عقاد به بیراهه رفتن آنان اشاره می‌کند و می نویسد: بر مسلمانی که با دین و سیره پیامبرش آشناست، حقیقت از هـر چیزی روشن‌تر است و نحوه انتخاب همسران و شیوه رفتار پیامبر(ص) با آنان حجتـی بـر حقانیت ایشان است و نیاز به حجتی دیگر نیست. (نکـ : عقاد، ۲۵۵)

برخی از مستشرقان به ضد زن بودن پیـامبر و تبعـیض جنسـیتی از ناحیـه وی اشـاره می‌کنند از جمله: رابرت اسپنسر در بخشی از کتابش تحت عنوان "آیـا اسـلام بـرای زنـان احترام قائل است"، می‌نویسد: "حدیثی از پیامبر اسلام است که می‌گوید بعد از من فتنـه‌ای پرضررتر از زنان برای مردان وجود ندارد. جایی دیگر آورده:"بخـت و اقبـال بـد در سـه چیزاست: اسب، زن و خانه." در ادامه با خلط مباحث زمان پیامبر(ص) و حوادث امروزی در جهان اسلام، با استفاده از نویسندگان مشـهوری چـون"کـارن آمسـترانگ"[1]، برداشـت نادرست خود را بیان می‌کند. (اسپنسر، ۴ـ۷۳) او استناداتش را آیات قرآن قـرار مـی‌دهـد. (البقره، ۲۲۸،۲۲۳؛ النساء، ۳۴) سپس آن را با دستور سنت پاول (پولس) در (افسسـیان ۵، ۲۲)

1. Karen Armstrong

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

مقایسه می‌کند که: "زنان باید مطیع شوهرانشان باشند، همانطور که مطیع خداوند هستند." و می‌گوید این حد بالایی از اطاعت و کرنش زنان در برابر مردان است که در کتاب مقدس آمده و قابل مقایسه با شدت این مباحث در قرآن نیست. (همانجا، ۷۵). او همچنین به مباحث "کنیزان"، "چندزنی"، "طلاق"، "ختنه زنان" و "کتک زدن زنان" می‌پردازد.

"ابن وراق"، در کتابش تحت عنوان "چرا من مسلمان نیستم"، به تخریب اسلام و سیاه نمایی از اندیشه‌های اسلامی پرداخته است. او در بخشی تحت عنوان زنان و اسلام مطالبی را بیان کرده که به شدت دیدگاه اسلامی را درباره زن زیر سوال می‌برد. (ابن وراق، ۲۹۰ـ۳۲۷)

در کتب مستشرقان بعضاً مشاهده می‌شود آنان برای تضعیف شخصیت حضرت رسول(ص) از روایات طبری و دیگر روایات مربوط به این ماجرا نهایت استفاده را می‌برند تا با تکیه بر منابع اسلامی تهمت‌های خود را منطقی‌تر جلوه دهند و توجیه کنند. این روایات در بیان و لابلای نوشته‌های مستشرقان به قدری وقیح است که دیگر نیازی به تحلیل آن‌ها توسط مستشرقان نیست و خود این روایات به تنهایی این ضربه عمیق را بر پیکره اسلام وارد می‌کند؛ نمونه این بهره‌گیری از روایات را می‌توان در کتاب "حقیقتِ محمد" از اسپنسر مشاهده کرد. او با استفاده از روایات طبری، انس بن مالک و دیگر روایات مربوط به ازدواج رسول خدا با زینب بنت جحش نهایت استفاده را در تخریب چهره رسول اکرم(ص) نموده است. (اسپنسر، ۵۹ـ۶۰)

سر ویلیام موئیر ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش را ظاهرا از روایات عامر بن شعبی و محمدبن یحیی بیان‌کرده و تحلیلهای نادرست خود را از منابع تاریخی چون طبری پوشش می‌دهد. (موئیر، ۳۰۰ـ۳۰۲) آنچه که در روایات این مستشرقان دیده می‌شود بازگویی همان روایات پر از اشکال موجود در برخی از حدیث است. تعداد مستشرقانی که در ورطه مخدوش نمودن چهره اسلام افتاده‌اند کم نیست و این موارد از باب مثال آورده شد.

علاوه بر مستشرقان بسیاری از مفسران مسلمان نیز تفسیر عاشقانه ازدواج حضرت رسول با زینب را بیان کرده و پذیرفته‌اند، از جمله: قمی، زمخشری، سیوطی، بیضاوی و

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

دیگران. در واقع این دسته از مفسران از روایاتی که برای تحلیل در پیش رو خواهیم داشت استفاده نموده و داستان دلباختگی پیامبر را پذیرفته و نشر داده‌اند. (نک: قمی، ۱۷۵/۲؛ زمخشری، ۲۶۲/۳؛ سیوطی، ۲۰۱/۵؛ بیضاوی، ۲۳۲/۴)

مستشرقان در زمینه شبهاتی که به ازدواج رسول‌اکرم با زینب بنت جحش وارد کرده‌اند، استنادات زیر را به‌کار می‌برند: ۱ـ آیه ۳۷ سوره احزاب ۲ـ روایاتی مشتمل بر تفسیر آیه فوق و مؤید دلدادگی پیامبر(ص) (سیوطی، ۲۰۴/۵؛ ابن عدی، ۳۳۳/۴؛ ابن اسحاق، ۲۸۳ و ...) ۳ـ روایات مشهور دیگری که حاکی از تمایل رسول اکرم بر ازدواج‌های متعدد است. مانند: "از دنیای شما سه چیز را دوست دارم، بوی خوش، زن و نماز که نور چشم من است." (ابن بابویه، ۲۴۵/۱) ۴ـ تفاسیری که داستان دلباختگی پیامبر به زینب را تایید می‌کنند. (نک: قمی، ۱۷۵/۲؛ زمخشری، ۲۶۲/۳؛ سیوطی، ۲۰۱/۵؛ بیضاوی، ۲۳۲/۴)

از آنجا که هر کدام از این مباحث به طور جداگانه مقال زیادی را می‌طلبد و در عین حال به موارد قرآنی و تفسیری توجه زیادی شده، در این پژوهش تنها به نقد روایات مؤید دلدادگی پیامبر می‌پردازیم.

## ۳ـ روایات مناقشه برانگیز

در رابطه با روایاتی که در این زمینه در جوامع حدیثی عامه نقل شده است می‌توان به نُه دسته بندی رسید: روایت از انس بن مالک (م۹۳ق)، عکرمه (۲۵ـ۱۰۵ق)، عامربن شعبی (۲۰ـ۱۰۹ق)، محمدبن یحیی بن حبان (۴۷ـ۱۲۱ق)، قتاده (۶۱ـ۱۱۸ق)، ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه، کلبی (متوفای۱۴۶)، مقاتل بن سلیمان (۸۰ یا ۹۰ـ۱۵۰ق) و عبدالرحمان بن زید بن اسلم (متوفای۱۸۲) که به شرح و نقد این احادیث می‌پردازیم:

### ۳ـ۱ـ روایات نقل شده از انس بن مالک(م.۹۵ق.)

محمد بن ابی بکرمقدمی از شاگردان حماد بن زید از انس بن مالک نقل می‌کند که زید بن حارثه نزد پیامبر رفته و از زینب شکایت می‌کند، رسول اکرم (ص) او را به تقوای الهی و حفظ

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

همسرش دعوت می‌کند. انس می‌گوید: اگر رسول اکرم می‌خواست چیزی را پنهان کند این امر را باید پنهان می‌نمود. زینب همیشه به همسران پیامبر(ص) فخر می‌فروخت که: ازدواج‌های شما از طریق خانواده هایتان بوده؛ اما ازدواج من را خدای هفت آسمان بسته است:

محمد بن أبی بکر المقدمی، حدثنا حماد بن زید، عن ثابت، عن أنس، قال: جاء زید بن حارثة یشکو، فجعل النبی صلی الله علیه وسلم یقول: «اتق الله، وأمسک علیک زوجک»، قال أنس: لو کان رسول الله صلی الله علیه وسلم کاتما شیئا لکتم هذه، قال: فکانت زینب تفخر علی أزواج النبی صلی الله علیه وسلم [ص، ۱۲۵] تقول: زوجکن أهالیکن، وزوجنی الله تعالی من فوق سبع سموات، و عن ثابت: {وتخفی فی نفسک ما الله مبدیه وتخشی الناس} [الأحزاب: ۳۷]، «نزلت فی شأن زینب وزید بن حارثة" (بخاری، ۱۲۴/۹)

این روایت همچنین از هشت تن دیگر از شاگردان حماد از ثابت از انس نقل شده است. که در این میان عبدالله ابن عبدالوهاب حاجبی این متن را نیز اضافه کرده که"زید می‌خواست همسرش را طلاق دهد و برای مشورت نزد پیامبر آمد. (بیهقی، ۲۶۱/۷) همچنین مؤمل بن اسماعیل نیز این حدیث را با همین سند ولی با روایتی متفاوت نقل کرده و احمد بن حنبل آن را این‌گونه آورده است:

حدثنا مؤمل بن إسماعیل، حدثنا حماد بن زید، حدثنا ثابت، عن أنس قال: أتی رسول الله (ص) منزل زید بن حارثة، فرأی امرأته زینب فکأنه دخله ـ لا أدری من قول حماد، أو فی الحدیث ـ فجاء زید یشکوها إلیه، فقال له النبی (ص): "أمسک علیک زوجک، واتق الله "قال: فنزلت: "واتق الله وتخفی فی نفسک ما الله مبدیه" (ابن حنبل، ۴۹۲/۱۹)

**نقد این روایت**

صرفنظر از اینکه خود این روایات چندان تصور اتهام زن‌بارگی (نعوذ بالله) را بر پیامبر(ص) پدید نمی‌آورد؛ توجه به نکاتی لازم است: مؤمل بن اسماعیل به ضعف حافظه مشهور است لذا حدیثی از سوی او پذیرفته نیست مگر آنکه مؤیدی داشته باشد. (همان) جاییکه در حدیث اشاره شده پیامبر به خانه زید می‌رود تنها از مؤمل نقل شده است. هشت راوی دیگر نیز صرف

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

استناد به حماد بن ثابت، همین نقل از مؤمل را تکرار کرده‌اند؛ در حالیکه مؤمل خود در حدیثش آورده که نمی‌داند این بخش گفته حماد است یا در حدیث بوده است.

### ۳ـ۲ـ روایت عکرمه (۲۰ـ۱۰۵ق.)

سیوطی می‌نویسد: "وأخرج عبد بن حمید وابن المنذر عن عکرمۀ رضی الله عنه... أن النبی صلی الله علیه وسلم دخل یوما بیت زید فرآها وهی بنت عمته فکأنها وقعت فی نفسه" (سیوطی، ۲۰۴/۵) عبد بن حُمَید و ابن منذر از عکرمه نقل می‌کنند که... روزی پیامبر وارد خانه زید شد و زینب دخترعمه اش را دید و به دلش مقبول افتاد.

نقد روایت

تفاسیر مربوط به این مبحث از عبد بن حمید و ابن منذر چندان در دسترس نبوده و تنها این روایت در سال ۲۰۰۴ به همت"مخلف بنیه العرف" و "دار ابن حزم"به تفسیر ابن حمید تحت عنوان "قطعه من تفسیر الامام عبد حمید" اضافه شد. همچنین تفسیر ابن منذر از آیه ۱۷۲ بقره شروع شده و به آیه ۹۲ سوره نساء ختم می‌شود که تحت عنوان "تفسیر القرآن لإبن منذر" موجود بوده و این روایت در این تفسیر اشاره نشده است؛ اما مشکل اساسی آن این است که بین این دو راوی و عکرمه انقطاع سند وجود دارد. چون عکرمه تابعی بوده این روایت را نهایتا می‌توان مرسل نامید. البته در وفات عکرمه اختلاف‌نظرهایی وجود دارد که بین ۱۰۴ تا ۱۱۵ هجری قمری نظرها متفاوت است (مزی، ۲۹۲/۲۰) ولی نهایتا او به عنوان یک تابعی شناخته می‌شود. بنابراین این حدیث از قوت کافی برخوردار نیست.

### ۳ـ۳ـ روایت عامر بن شعبی (۲۰ـ۱۰۹ق.)

این روایت از برده آزاد شده شعبی، ابوسلمه همدانی نقل شده و در سیره ابن اسحاق یونس بن بکیر اینگونه نقل شده است:

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

یونس عن أبی سلمۀ الهمذانی مولی الشعبی عن الشعبی قال: مرض زید بن حارثۀ فدخل علیه رسول الله صلی الله علیه وسلم یعوده، وزینب ابنۀ جحش امرأته جالسۀ عند رأس زید، فقامت زینب لبعض شأنها، فنظر إلیها رسول الله صلی الله علیه وسلم، ثم طأطأ رأسه فقال: سبحان اللّه مقلب القلوب والابصار، فقال زید: أطلقها لک یا رسول الله؟ فقال: لا، فانزل اللّه عز وجل: «وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِی أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَیْهِ» إلی قوله: «وَکانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا» (ابن اسحاق، ۲۶۲)

ابن عدی اسناد این حدیث را اینگونه آورده است:

"حدثنا الساجی، حدثنا الحسن بن علی الواسطی، قال: حدثنا علی بن نوح، حدثنا محمد بن کثیر، حدثنا سلیم مولی الشعبی عن الشعبی... " (ابن عدی، ۳۳۳/۴)

**نقد روایت**

شعبی در این روایت از سه نفر صحبت به میان می‌آورد: پیامبر اکرم (ص)، زید بن حارثه و زینب بنت جحش که همه قبل از تولد او از دنیا رفته‌اند و نگاه حضرت رسول به زینب و کلیه وقایع به شکل سوم شخص نقل شده و در واقع به شکل شرحی از اتفاقات است و نه مکالمات مستقیم و بی واسطه ای که بتواند اطمینان خاطر بیشتری را از جهت نقل قول برای مخاطب پدید آورد. شعبی خود مستقیم به نقل این حدیث پرداخته در حالیکه انتظار می‌رود دست کم دو نفر دیگر در سلسله این اسناد برای نقل مستقیم این روایت و شرح حال آن وجود داشته باشند تا بتوان حدیث را پذیرفت. همچنین سلیم برده آزاد شده شعبی که نام دومش ابو سلمه است راوی ضعیف است و در روایاتی که نقل کرده قطعی سلسله اسناد دارد. (ابوذرعه، ۴۳۲/۲؛ ابن‌عدی، ۳۳۳/۴؛ بغدادی، ۱۱۰/۲۲؛ ابن‌جوزی، ۱۲/۲؛ عسقلانی، ۱۱۲/۳)

همچنین علی بن نوح راوی خوش نامی نیست و ابن‌عدی به این مطلب اشاره کرده است. (آلبانی، ۷۹۹/۱۴) محمدبن کثیر هم اگر همانند سلیم کوفی باشد همان ابواسحاق محمدبن کثیر قرشی است که معروف به راوی ضعیف است. (عسقلانی، ۴۱۸/۹)

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

اطلاعاتی از زمان تولد و مرگ سلیم در دست نیست اما یونس بن بکیر که از او نقل می‌کند در سال ۱۹۹ق. در سن ۸۰ سالگی وفات یافته است. این زمان به سادگی پرشدنی نیست.

### ۳ـ٤ـ روایت محمدبن یحیی بن حبان(٤٧ـ۱۲۱ق)

ابن سعد می‌نویسد:

أخبرنا محمد بن عمر، قال: حدثنی عبدالله بن عامر الأسلمی، عن محمدبن یحیی بن حبان قال: جاء رسول الله صلی الله علیه وسلم بیت زید بن حارثة یطلبه وکان زید إنما یقال له زید بن محمد فربما فقده رسول الله صلی الله علیه وسلم الساعة، فیقول: «أین زید؟» فجاء منزله یطلبه فلم یجده وتقوم إلیه زینب بنت جحش زوجته فضلا فأعرض رسول الله صلی الله علیه وسلم عنها فقالت: لیس هو هاهنا یا رسول الله فادخل بأبی أنت وأمی فأبی رسول الله أن یدخل وإنما عجلت زینب أن تلبس لما قیل لها رسول الله صلی الله علیه وسلم علی الباب فوثبت عجلی فأعجبت رسول الله فولی وهو یهمهم بشیء لا یکاد یفهم منه إلا ربما أعلن: «سبحان الله العظیم سبحان مصرف القلوب» فجاء زید إلی منزله فأخبرته امرأته أن رسول الله أتی منزله، فقال زید: ألا قلت له أن یدخل، قالت: قد عرضت ذلک علیه فأبی، قال: فسمعت شیئا؟ قالت: سمعته حین ولی تکلم بکلام ولا أفهمه وسمعته، یقول: «سبحان الله العظیم سبحان مصرف القلوب» فجاء زید حتی أتی رسول الله، فقال: یا رسول الله بلغنی أنک جئت منزلی فهلا دخلت بأبی أنت وأمی یا رسول الله لعل زینب أعجبتک فأفارقها، فیقول رسول الله: «أمسک علیک زوجک» فما استطاع زید إلیها سبیلا بعد ذلک الیوم فیأتی إلی رسول الله فیخبره فیقول رسول الله: «أمسک علیک زوجک» فیقول: یا رسول الله أفارقها فیقول رسول الله: «احبس علیک زوجک» ففارقها زید واعتزلها وحلت یعنی انقضت عدتها، قال: فبینا رسول الله جالس یتحدث مع عائشة إلی أن أخذت رسول الله غشیة فسری عنه وهو یتبسم وهو یقول: «من یذهب إلی زینب یبشرها أن الله قد زوجنیها من السماء؟ ... (ابن‌سعد، ۸۰/۸ـ۸۱؛ طبری، ۵۶۲/۲ـ۵۶۳؛ حاکم نیشابوری، ۲۵/۴)

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

نقد روایت

اشکالهای این روایت به وضوح مشخص است. اول آنکه محمد بن یحیی بـن حبـان در ۷۴ سالگی وفات یافت یعنی هنگامیکه به دنیا آمده نـیم قـرن از ازدواج حضـرت رسـول گذشته بود و زینب هم ۳۰ سال قبل از آن فوت کرده بود. عبدالله بن عـامر اسـلمی نیـز در دسته راویان ضعیف قرار گرفته است. (عسقلانی، ۲۷۵/۵ـ۲۷۶؛ ابن‌عدی، ۲۵۳/۵؛ احمدبن حنبل، ۶۳۸/۲۸) همچنین سیر شاخ و برگ‌هایی که از ابتدا تا کنون به این روایت داده شده و هر بار بیش از قبل می‌شود کاملا محسوس است. در حدیثی زینب حجاب نداشـت، امـا اینجا حجاب دارد. در روایت قتاده که جلوتر خواهد آمـد زیـد از زینـب شـکایت دارد و می‌خواهد به جهت بداخلاقی زینب او را طلاق دهد اما در این روایت تنها می‌خواهد رسول خدا را راضی نگه دارد.

### ۵ـ۳ـ روایت قتاده (۶۱ـ۱۱۸ق)

عبدالرزاق صنعانی می‌نویسد:

عن معمر، عن قتادة ... قال قتادة: جاء زيد النبى صلى الله عليه وسلم فقـال: إن زينـب اشتد على لسانها، وأنا أريد أن أطلقها، قال له النبى صلى الله عليه وسـلم: {أمسـک عليـک زوجک واتق الله} [الأحزاب: ۳۷]، والنبى يحب أن يطلقها و يخشى قالة الناس إن أمـره أن يطلقها , فأنزل الله تعالى: {وتخفى فى نفسک مـا الله مبديـه وتخشـى النـاس والله أحـق أن تخشاه فلما قضى زيد منها وطرا} [الأحزاب، ۳۷] قال قتادة: لما طلقهـا زيـد {زوجناكهـا} [الأحزاب، ۳۷] (صنعانی، ۴۰/۳)

نقد روایت

ظاهرا برخی زنجیره کوتاه این روایت را پذیرفته‌اند و با زنجیره دیگری از راویان و نقل کسانی چون "یزیدبن زریع" و "سعید بن ابی عروبه"از قتاده به صـحت آن حکـم داده‌انـد. (طبرانی، ۴۲/۲۴) اما روایات قتاده ناقدانی هم دارد و اکثر حدیث‌شناسان سنی روایـات او

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

را مرسل می‌دانند. شعبی اظهار می‌کند به او شک دارد مانند کسی که دستش را در تاریکی دراز کرده و به جمع هیزم می‌پردازد و نمی‌داند دستش را روی تکه‌ای از چوب می‌گزارد یا مار و بالاخره مار او را نیش خواهد زد. (مزی، ۵۱۰/۲۳) ذهبی مجموعه روایات نقل شده از قتاده را معضل یا منقطع می‌شمارد، و در سلسله اسناد او حداقل دو یا بیشتر از دو راوی را مفقود می‌داند. (ذهبی، ۴۰) البته نظرات کاملا متغایری با این دیدگاه وجود دارد به عنوان نمونه می‌توان به سخن یحیی اشاره کرد که در قبال اتهام قائل به قدر بودن قتاده می‌گوید اگر بخواهی او را کنار بگذاری عده زیادی از رجال علم را کنار گذاشته‌ای. (عسقلانی، ۳۵۳/۸) او همچنین در میان شیعیان راوی‌ای خوش‌نام و مشهور به دوستی اهل‌بیت است؛ اما به جهت بررسی روایات اهل سنت و تحلیل‌های خود آنان از بررسی این راوی از منظر شیعه صرفنظر می‌کنیم.

به هرحال آنچه که راجع به روایت قتاده می‌توان گفت این است که او از مکنونات قلبی پیامبر عملا نمی‌تواند آگاه شود تا به حب ایشان به زینب و خواهان طلاق دادن وی توسط زید در روایتش اشاره کند، اینجا نیز روایت نقل داستانی پیدا می‌کند. این روایت این معنا را به خواننده القاء می‌کند که پیامبر آرزوی طلاق زینب توسط زید را داشته ولی نمی‌توانسته چنین درخواستی را از زید داشته باشد. در نتیجه خداوند متعال چنین برای وی مقدر می‌سازد که میل او عملی شود، بدین جهت با اراده الهی زید به شکایت از زینب نزد رسول آمده و می‌خواهد او را طلاق دهد و پیامبر در این گفتگو به زید از سرنوشتی که خدا درنظر گرفته چیزی نمی‌گوید تا مبادا مورد قضاوت دیگران قرار گیرد.

### ۶ـ۳ـ روایت ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه

طبرانی می‌نویسد:

حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمی، ثنا الحسن بن علی الحلوانی، ثنا محمد بن خالد بن عثمة، حدثنی موسی بن یعقوب، عن عبد الرحمن بن المنیب، عن أبی بکر بن سلیمان بن

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

أبی حثمة، أن رسول الله صلی الله علیه وسلم جاء بیت زید بن حارثة فاستأذن، فأذنت له زینب ولا خمار علیها، فألقت کم درعها علی رأسها، فسألها عن زید، فقالت: ذهب قریبا یا رسول الله، فقام رسول الله صلی الله علیه وسلم وله همهمة، قالت زینب: فاتبعته فسمعته یقول: «تبارک مصرف القلوب» فما زال یقولها حتی تغیب (طبرانی، ۴۴/۲۴)

**نقد روایت**

ابوبکر بن سلیمان بن ابی حثمه جزء تابع تابعین به شمار آمده و خیلی از او نقل نشده است. با توجه به راویان بعد از او مانند موسی بن یعقوب یا عبدالرحمان بن المهدی مشخص است استاد معروفی نداشته است و در واقع مشایخ او مجهول هستند. (مزی، ۱۷۲/۲۹) به خصوص آنکه موسی بن یعقوب نیز به ضعف حافظه معروف بوده است. (عسقلانی، ۵۴۴) بنابراین حدیث صرفنظر از مرسل بودنش همچنین دارای راویان ضعیف، ناشناخته و دارای ضعف حافظه است. هیثمی نیز به ضعف‌های این روایت و راویانش اشاره کرده و بیان می‌کند طبرانی این حدیث را مرسل روایت کرده است. همچنین روایاتی هم که از ام سلمه آمده نیز ارسال دارد. (هیثمی، ۲۴۷/۹)

متن حدیث نیز به داستان ساختگی ناباورانه‌ای اشاره می‌کند. در حدیث صحبت از پوشش زینب شده که با آمدن رسول سر خود را می‌پوشاند در حالیکه ضرورتی برای این زحمت نبوده و حکم حجاب بعد از ازدواج پیامبر با زینب آمد.

### ۷ـ۳ـ روایت مقاتل بن سلیمان (۸۰ یا ۹۰ـ۱۵۰ق)

مقاتل بن سلیمان بدون ذکر هیچ سندی روایتی را از خود نقل کرده که در ادامه این‌گونه می‌آورد:

فلم یلبث إلا یسیرا حتی شکا إلی النبی ـ صلّی الله علیه وسلّم ـ ما یلقی منها فدخل النبی ـ صلی الله علیه و سلم ـ فوعظها فلما کلمها أعجبه حسنها و جمالها و ظرفها، وکان أمرا قضاه الله ـ عزوجل ـ ثم رجع النبی ـ صلی الله علیه و سلم ـ و فی نفسه منها ما شاء

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

الله ـ عز وجل ـ فكان النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ يسأل زيدا بعد ذلک كيف هى معک؟ فيشكوها إليه فقال له النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ : اتق الله وأمسک عليک زوجک وَفِى قلبه غَيْر ذَلِکَ، ... ثُمّ إن النَّبِىّ ـ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ـ أتى زيدا فأبصر زينب قائمة، وكانت حسناء بيضاء من أتم نساء قريش فهويها النبى ـ صلّى الله عليه وسلّم ـ فقال: سبحان الله مقلب القلوب. ففطن زيد، فقال: يا رسول الله، ائذن لى فى طلاقها فإن فيها كبرا، تعظم على وتؤذينى بلسانها، فقال النبى ـ صلى الله عليه وسلم ـ: أمسک عليک زوجک واتق الله، ثم إن زيدا طلقها بعد ذلک (مقاتل، ۴۹۲/۳ـ۴۹۵)

مقاتل در سال ۱۵۰ق. وفات کرده است در حالیکه زنجیره راویانی در حدیث او مشاهده نمی‌شود و لذا روایتش مرسل است. اما علاوه بر این او علیرغم علم وسیعش راوی ضعیفی بوده و توثیقی نشده است. ذهبی به این مسئله اشاره کرده است.(ذهبی، ۲۰۲/۷).

متن حدیث نیز با دیگر احادیث تفاوت دارد. در این روایت پیامبر نزد زینب می‌رود تا او را نصیحت و راهنمایی کند و در حالیکه با او وارد گفتگو می‌شود تحت تاثیر وی قرار می‌گیرد. در واقع مقاتل تحت تاثیر کلبی روایتش را با تفصیل خودش بازگویی می‌کند.

### ۸ـ۳ـ محمدبن سائب الکلبی(متوفای۱۴۶)

یحیی بن سلام در تفسیرش آورده است:

و قال الكلبى: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم أتى زينب زائرا، فأبصرها قائمة فأعجبته، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم سبحان الله مقلب القلوب، فرأى زيد أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قد هويها فقال: يا رسول الله ائذن لى فى طلاقها، فإن فيها كبرا وإنها تؤذينى بلسانها، فقال له رسول الله صلى الله عليه وسلم: اتق الله وأمسک عليک زوجک، فأمسكها زيد ما شاء الله ثم طلقها، فلما انقضت عدتها أنزل الله نكاحها رسول الله صلى الله عليه وسلم من السماء (یحیی بن سلام، ۷۲۱/۲ـ۷۲۲)

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

نقد روایت

کلبی در روایت خودش به هیچ منبع موثقی اشاره نمی‌کند و خودش نیز در زمره راویان مطرود است. (ذهبی، ۲۴۸/۶ـ۲۴۹) این روایت این گونه نقل می‌شود که زید وقتی نگاه پیامبر و تمایل او را به همسرش دید او را طلاق داد ولی دلیل طلاقش را رفتار نامناسب زینب اعلام می‌کند تا بهانه‌ای شود که پیامبر به زینب برسد. این امر بسیار عجیب می‌نماید چرا که از لحاظ منطقی و احساسی نمی‌توان به شریک زندگی خود بی‌تفاوت بود و تا این حد منفعلانه برخورد کرد و این مسئله دیگر اطاعت از رسول خدا نیست به خوبی می‌توان دید که سیر داستانی این حدیث چگونه و رفته رفته دچار تحولات و توهمات اساسی می‌شود.

### ۹ـ۳ـ عبدالرحمان بن زید بن اسلم (متوفای ۱۸۲)

طبری می‌گوید:

حدثنی یونس بن عبد الأعلی، قال: أخبرنا ابن وهب، قال: قال ابن زید: کان النبی ص قد زوج زید بن حارثة زینب بنت جحش ابنه عمته، فخرج رسول الله ص یوما یریده، وعلی الباب ستر من شعر، فرفعت الریح الستر فانکشف وهی فی حجرتها حاسره، فوقع إعجابها فی قلب النبی ص، فلما وقع ذلک کرهت إلی الآخر، قال: فجاء فقال: یا رسول الله، إنی أرید ان افارق صاحبتی، فقال: مالک! أرابک منها شیء! فقال: لا والله یا رسول الله، ما رابنی منها شیء، ولا رأیت إلا خیرا فقال له رسول الله ص: امسک علیک زوجک واتق الله، فذلک قول الله عز وجل: «وإذ تقول للذی أنعم الله علیه و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک واتق الله وتخفی فی نفسک ما الله مبدیه»، تخفی فی نفسک ان فارقها تزوجتها. (طبری، ۲۷۴/۲۰؛ طبری، ۵۶۳/۲)

نقد روایت

عبدالرحمان بن زید بن اسلم از نسل بعد از تابعان بوده و در سال ۱۸۲ در می‌گذرد. بنابراین روایت او مرسل است. همچنین راوی ضعیف است. (عسقلانی، ۱۷۷/۶ـ۱۷۹)

در این حدیث نیز با مسائل متناقض دیگری روبرو می‌شویم: اینجا نه صحبت از این

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

است که زینب به هنگام حضور رسول‌اکرم حجاب بر سرش می‌گذارد، نه اینکه به دنبال پوشاندن بدن خود و لباس پوشیدن است. او بی‌لباس در اتاقش بوده و باد وزیدن گرفت و پرده حریر روی در کنار رفت و پیامبر چشمش به زینب افتاد و لب به تحسین او گشود. دیگر در اینجا شکایتی نیز از زید وجود ندارد تا به عنوان دلیل جدایی خود بیان کند بلکه او به نفع پیامبر و برای خواسته او می‌خواهد پایش را کنار بکشد و این دقیقا با روایت انس بن مالک در تضاد است که شاکی بود و اعتراض زینب را نزد رسول (ص) برده بود.

## جمع‌بندی

تمام روایات مذکور در چند نکته با هم مشترک هستند:

۱. سندهای کاملی نداشته و در سلسله زنجیره راویان گاه دو یا سه راوی مفقود است.

۲. راویانی ضعیف این روایات را نقل کرده که اکثر حدیث شناسان اهل سنت به ضعف آنان تصریح کرده‌اند و این ضعف تا اندازه‌ای نیست که بتوان از آن عبور کرد و با دلایل محکم دیگر آن را پذیرفت.

۳. از لحاظ متنی نیز روایات مشکلات عدیده‌ای دارند و با توجه به زمان راویان مشاهده شد که هرچه حدیث جلوتر می‌رود مطالب باور نکردنی و قصه بافی در آن بیشتر شده است که این خود نشان دهنده ضعف شدید این احادیث است.

ممکن است این سوال پیش آید که ضعف یک راوی در یکی دو مورد نمی‌تواند منجر به تلقی ضعف حدیث شود و با توجه به تبصره‌هایی که در علم رجال وجود دارد می‌توان برخی از اشکالات را نادیده گرفت. باید گفت درست است که صحت یک حدیث به عوامل مختلفی بستگی دارد و با توجه به منع کتابت حدیث اشکال‌هایی در عرضه حدیث پدید آمد که نهایتا ما را از داشتن حدیث کاملا بی‌عیب و نقص محروم می‌سازد و تعداد احادیث متواتر بسیار اندک است؛ اما با تفقه بیشتر می‌توان نتایجی را از احادیث مذکور در جهت نپذیرفتن و نقد آن‌ها ارائه داد:

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

● غیر از ضعف راویان که در مورد برخی از آنان این ضعف جدی است، باید گفت که این احادیث از لحاظ متنی نیز بسیار نا استوار بوده و با گذشت زمان دستخوش تحولات عجیبی شده است و این موارد پیش از این ذکر شد.

● دیگر آنکه اعتقاد شدید اهل سنت به اتصال حدیث به پیامبر(ص) یا صحابه این نا استواری در مورد احادیث مرفوع به تابعین بیشتر کرده و از اعتبار آن می‌کاهد. این اشکال چندان به شیعه وارد نیست چون ائمه اطهار(ع) با وجود تابعی بودنشان حکم یکسانی را چون پیامبر(ص) برای شیعیان در حدیث دارا هستند. هرچند احادیث عامه با قرار گرفتن در زمره احادیث مرسل، دارای ضعف سندی باشند اما با متن آن چه باید کرد که گاه روایتِ داستانی دارد و نه نقل مستقیم و گاه صفاتی از رسول اکرم به نمایش می‌گذارد که با سنت آن حضرت، آموزه‌های اخلاقی و رسالت ایشان سازگار نیست. سوم آنکه با پذیرفتن این راویان، با رجوع به قرآن‌کریم در درک این مفاهیم به شدت دچار چالش می‌شویم چون از آیات مربوطه، روایتهای این راویان حاصل نمی‌شود. در این مورد پژوهشهای زیادی صورت گرفته که برای فهم بهتر لازم است به آن‌ها مراجعه کرد.

## ٤ـ چند نکته

تمامی این روایات بیان‌گر عشق پیامبر (ص) به زینب است. آیا پیامبر دچار عشق ممنوعه شده و عاشق زنی شوهردار می‌شود؟ در پی این سوال استدلال‌های عقلی زیر مطرح می‌شود:

۱. حکم حجاب برای زنان بعد از این ماجرا واقع شد و این توجهی که در روایات فوق آمده است می‌توانست همیشه وجود داشته باشد.

۲. زینب دخترعمه رسول(ص)، از کودکی همیشه در برابر چشمان وی قرار داشته است.

۳. خود حضرت وی را برای زید خواستگاری کرد.

۴. گله زید از زینب مسئله تازه ای نبود و این دو زوج از همان ابتدا اختلافات زیادی

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

داشتند و زینب و خانواده او راضی به این ازدواج نبودند.

۵. زینب پس از ازدواج همواره با رسول الله در تماس بوده و عروس پیامبر (ص) محسوب می‌شده است.

۶. اگر چنین داستانی صحیح بود، آیا زید سکوت می‌کرد و اعتراضی به رسول (ص) نمی‌کرد و پسرش اسامه نیز عکس‌العملی نشان نمی‌داد و در جنگ به فرمان رسول (ص) شرکت می‌نمود؟

۷. چطور ممکن است پیامبر(ص) به اصول اخلاقی سفارش بنماید که سر زده وارد خانه ای نشوید ولی خودشان این موضوع را رعایت نکنند؟

"شیخ صدوق در معانی الاخبار با سند خود از ابن ابی هاله تمیمی از امام حسن بن علی (ع) روایت می‌کند: از دایی‌ام هند بن ابی هاله که توصیف کننده پیامبر(ص) بود، از صفات رسول اکرم سوال کردم... حسین (ع) گوید: از پدرم پرسیدم رفتار رسول‌الله در منزل چگونه بود؟ فرمود با اجازه وارد منزل می‌شد و..." (عسکری، ۸ـ۲۷۷)

۸. زمان اتفاق این ماجرا داستان دلبستگی عاشقانه پیامبر (ص) با عایشه زبانزد همه است. عایشه حسود، هوشیار و حساس چگونه در برابر دلباختگی محمد(ص) به زنی سکوت می‌کند؟

۹. در سال‌های جوانی رسول(ص) با عشق نا آشنا بوده و ناگهان در ۶۰ سالگی با عشقی برق آسا روبرو می‌شود؟ (نکـ. شریعتی: ۳۵ـ۳۹)

نکته دیگر آنکه گرچه مستشرقان خطا و اشتباه را از پیامبراکرم(ص) امری عادی پنداشته و عصمتی برای ایشان قائل نیستند؛ اما در بین برخی اندیشمندان مسلمان نیز این تصور وجود دارد که پیامبر می‌تواند خطا کند و برای تمایلات و رسیدن به عشق خود تلاش کند. شاید بتوان گفت این اندیشه بیشتر در بین نواندیشان مسلمانی که مبهوت فعالیت‌های علمی مستشرقان شده اند بیشتر مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه به نظرات عایشه بنت الشاطی به عنوان یک نواندیش معاصر اشاره و نقد می‌کنیم:

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

بنت‌الشاطی در مقاله "تراثنا الثقافی بین ایدی المستشرقین"، ستایش خود را از مستشرقان در برخورد با نسخه‌های خطی ابراز کرده و مسلمانان را در این کار ناکارآمد به شمار می‌آورد. (زمانی، ۵۶) او بعد از استناد به طبری، کتب سیره و قول برخی از صحابه، به آیه ۳۷ سوره احزاب اشاره می کند و در مقابل مخالفان اندیشه خود همچون هیکل، ابراز تعجب می‌کند که چرا چنین امر انسانی را نمی‌پذیرند. سپس به بشر بودن رسول الله(ص) اشاره نموده و آن را امری کاملا طبیعی تلقی می‌نماید. آنگاه با اشاره به اظهارات هیکل در کتاب زندگانی محمد(ص) در صفحات ۲۹۳ و ۲۹۴ می‌نویسد دشمنان از زمان جنگهای صلیبی عداوتشان ریشه دوانیده؛ اما تاریخ طبری پیش از جنگهای صلیبی به رشته تحریر در آمده است، لذا نظرات افرادی چون هیکل ما را از حقیقت دور می‌کند. او این نظرات را در کتاب "نساءالنبی" خود آورده ولی در همین کتاب گاه خود سخنانش را نقض کرده است. از جمله در رابطه با انتخاب رسول اکرم(ص) به عنوان همسر توسط حضرت خدیجه (س) می نویسد: "در آن وقت محمد(ص) بشر مجرد از سمت رسالت بود و هنوز عصر پیامبری که او را از سایر افراد بشر برتری نمود وارد شخصیتش نشده بود." (بنت الشاطی، ۱۸) در واقع پیامبر بعد از رسالت از نظر بنت الشاطی دارای ویژگی ممتاز پیامبری می‌شود و این خود نقض حرف پیشین اوست. از طرفی دیگر در نقد احادیث و روایت طبری دیدیم که این روایات کاملا مخدوش و غیر قابل استناد است.

بشر بودن پیامبر(ص) در قرآن کریم به خاطر بهانه گیری‌های کفار بوده که از پیامبر(ص) معجزات عجیب و غریبی را درخواست می‌کردند و وحی آمد «**انا بشر مثلکم**» (الکهف، ۱۱۰). بشری را که قرآن‌کریم از رسول‌الله به تصویر می‌کشد غیر از بشری است که بنت الشاطی ترسیم می‌کند. فضایل بشری نوع بشر را به درجات عالی، متوسط و پست تقسیم می‌کند و محمد(ص) در بشریت و فضایل بر همه برتری داشت و بشری بود پرورش یافته خداوند (ادبنی ربی فاحسن ادبی) و این مزیتی است که خداوند او را بشری کامل کرد و سزاوار نمود که مربی و راهنمای نوع بشر باشد.

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

## نتیجه‌گیری

۱ـ از عوامل مهم ایجاد شبهات، وجود منابع غیر مستدل در میراث اسلامی است که بیشتر در احادیث مطرح بوده و لازم است با توجه به حجم بالای این احادیث، حدیث‌شناسان در نقد حدیث و تلاش‌های فقه الحدیثی بیشتر از قبل بکوشند. در این مقاله تلاش شد با استفاده از منابع حدیثی و استدلال‌های محدثان و منابع موجود در زمینه نقد راویان و متن احادیث و فعالیت‌هایی که به طورکلی صورت گرفته ولی به شکل پراکنده و همراه با مطالب دیگر در کتب مربوطه آورده شده است، به جمع‌بندی مناسبی از نقدهای وارده به نُه حدیث مربوط به ازدواج رسول‌اکرم با زینب بنت جحش دست یابیم که عمدتا از منابع اهل سنت و استدلال‌های آنان استفاده شد.

۲ـ طی این واکاوی مشخص شد کلیه این نُه حدیث از استحکام برخوردار نبوده و دارای علل فراوانی است. لذا آنچه که گاه مستشرقان، اسلام پژوهان و برخی مسلمانان اندیشمند به آن در جهت اثبات عشق پیامبر(ص) به زینب استدلال می‌کنند کاملا مخدوش است.

۳ـ با استفاده از روش تحلیل محتوا این احادیث در جداول اکسل پیاده شد و با تقسیم‌بندی‌ها و تعاریف ستون‌هایی برای تحلیل، نتایج به دست آمده از اتقان بیشتری برخوردار شد.

۴ـ در بررسی‌های پیشین مشخص شده بود که مستشرقان منصفی وجود دارند که خود به تحلیل صحیحی از ازدواج پیامبر(ص) پرداخته و اتهامات را در مورد شخصیت رسول اکرم نمی‌پذیرند ولی این افراد در مقایسه با مستشرقان معاند ناچیزند.

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

## کتابشناسی


۱. قرآن کریم

۲. آل اسحاق خوئینی، علی، اسلام از دیدگاه دانشمندان جهان، قم، انتشارات تلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.

۳. آلبانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السیئ فی الأمة، دارالمعارف، الریاض، الطبعة: الأولی، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۲م.

۴. ابن ابی ثعلبه، یحیی بن سلام، تفسیر یحیی بن سلام، تحقیق: الدکتورة هند شلبی، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۲۵ق، ۲۰۰۴م.

۵. ابن اسحاق، محمد، سیرة ابن إسحاق (کتاب السیر والمغازی)، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دار الفکر، الطبعة الأولی ۱۳۹۸ق، ۱۹۷۸م.

۶. ابن بابویه، محمدبن علی، ترجمه من لایحضرالفقیه، مترجم: علی‌اکبر غفاری و دیگران، نشر صدوق، تهران، ۱۳۶۷ش.

۷. همو، علل الشرایع، مترجم:محمدجواد ذهنی تهرانی، انتشارات مومنین، قم، ۱۳۸۸ش.

۸. همو، الخصال، مترجم: یعقوب جعفری، نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۲ش.

۹. ابن‌الجوزی، الضعفاء و المتروکون، جمال‌الدین أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، محقق:عبدالله القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۰۶ق.

۱۰. ابن سعد، ابوعبدالله محمد، الطبقات الکبری، محقق: محمدعبدالقادرعطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۱۰ق، ۱۹۹۰م.

۱۱. ابن عدی، عبدالله بن عدی، الکامل فی معرفه ضعفاء المحدثین و علل الاحادیث، محقق: سهیل زکار و دیگران، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ق.

۱۲. ابن منذر، أبو بکر محمد بن إبراهیم، تفسیر القرآن لإبن منذر، محقق: سعد بن محمد السعد، مدینه، دارالمآثر، الطبعة: الأولی ۱۴۲۳ق، ۲۰۰۲م.

۱۳. ابوذرعه، عبدالله بن عبدالکریم الرازی، الضعفاء، المدینه المنوره، الجامعه الاسلامیه، محقق: سعدی الهاشمی، ۱۴۰۲ق، ۱۹۸۲م.

۱۴. احمد، خورشید، اسلام و غرب، ترجمه: سیدغلامرضاسعیدی، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، قم، ۱۳۴۷.

۱۵. ابن حنبل احمد، ابوعبدالله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، محقق: شعیب الأرنؤوط و دیگران، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولی، ۱۴۲۱ق، ۲۰۰۱م.

۱۶. البغدادی، أبوبکرأحمدبن علی بن ثابت بن أحمدبن مهدی الخطیب، تاریخ بغداد وذیوله، بیروت، دار الکتب العلمیة، دراسة وتحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الطبعة: الأولی، ۱۴۱۷ق.

۱۷. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح البخاری،محقق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، الدار طوق النجاة، الطبعة الأولی، ۱۴۲۲ق.


[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

۱۸. بنت‌الشاطی، عایشه، نساءالنبی، مترجم: محمدعلی خلیلی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۷ش.
۱۹. بنیه العرف، مخلف، قطعه من تفسیر الامام عبد حمید، بیروت، دار ابن حزم، ۲۰۰۴م.
۲۰. بیهقی، ابوبکر، السنن الکبری، محقق: محمدعبدالقادرعطا، دارالکتب العلمیة، بیروت، الطبعةالثالثة، ۱۴۲۴ق، ۲۰۰۳م.
۲۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر، تفسیر بیضاوی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۲. الحاج، ساسی سالم، الظاهره الاستشراقیه و اثرها علی الدراسات الاسلامیه، مرکز دراسات العالم الاسلامی، لیبی، ۱۹۹۱م.
۲۳. حاکم نیشابوری (ابن‌البیع)، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۱۱ق، ۱۹۹۰م.
۲۴. ذهبی، شمس‌الدین، الموقظة فی علم مصطلح‌الحدیث، مکتبة المطبوعات‌الإسلامیة بحلب، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۲ق.
۲۵. همو، سیر اعلام النبلاء، محقق: مجموعة من المحققین بإشراف الشیخ شعیب الأرناؤوط، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۵ق، ۱۹۸۵م.
۲۶. رشیدرضا، محمد، الوحی المحمدی، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۲۷. زمانی، محمدحسن، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۲۸. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، قاهره، شرکه مصطفی البابی، ۱۳۸۵ق.
۲۹. سیوطی، جلال‌الدین، الدرالمنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. شاه‌ولی‌الله، احمدبن عبدالرحیم، مصفی شرح فارسی موطا، تهران، افق علم، ۱۳۹۵ش.
۳۱. شریعتی، علی، زن در چشم و دل محمد(ص)، تهران، موسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی مزینانی، ۱۳۸۸ش.
۳۲. صنعانی، ابوبکرعبدالرزاق، تفسیر عبد الرزاق، محقق: د.محمودمحمدعبده، بیروت، دارالکتب العلمیة، الطبعة الأولی، ۱۴۱۹ق.
۳۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن أیوب ابوالقاسم، المعجم الکبیر، محقق: حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره، مکتبة ابن تیمیة، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۵ق، ۱۹۹۴م.
۳۴. طبری، محمدبن‌جریر، تاریخ الطبری:تاریخ الرسل والملوک، بیروت، دارالتراث، الطبعةالثانیة، ۱۳۸۷ق.
۳۵. همو، جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: أحمد محمد شاکر، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولی،۱۴۲۰ق،۲۰۰۰م.
۳۶. عسکری، سیدمرتضی، نقش عایشه در احادیث اسلام، بیجا، انتشارات دانشکده اصول‌الدین، ۱۳۸۷ش.
۳۷. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، محقق: دائرة المعرف النظامیة الهند، بیروت، مؤسسة الأعلمی، الطبعة الثانیة، ۱۳۹۰ق،۱۹۷۱م.
۳۸. همو، تهذیب التهذیب، دائرة المعارف النظامیة، الهند، الطبعة: الطبعة الأولی، ۱۳۲۶ق.
۳۹. همو، تقریب‌التهذیب، محقق: محمد عوامة، سوریا، دارالرشید، الطبعةالأولی، ۱۴۰۶ق، ۱۹۸۶م.

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]
[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]

۴۰. عقاد، عباس محمود، حقائق الاسلام اباطیل الخصومه، قاهره، دار نهضه مصر، ۱۹۹۸م.

۴۱. فؤاد، عبدالمنعم، من افترائات المستشرقین علی الاصول العقدیه فی الاسلام، مکتبه العبیطان، ریاض، ۲۰۰۱م.

۴۲. قطب، محمد، المستشرقون و الإسلام، مکتبه وهبه، قاهره، ۱۹۹۹م.

۴۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، بیروت، دارالسرور، ۱۴۱۱ق.

۴۴. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، مترجم: هاشم حسینی، تهران، کتابچی، ۱۳۸۷ش.

۴۵. مزی، یوسف‌بن عبدالرحمن، تهذیب‌الکمال فی اسماءالرجال، محقق: بشارعواد معروف، بیروت، موسسه‌الرساله، ۱۴۰۰ق.

۴۶. مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن، تفسیر مقاتل بن سلیمان، محقق: عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار إحیـاء التـراث، الطبعة الأولی، ۱۴۲۳ق.

۴۷. هیثمی، نورالدین، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، محقق:حسام‌الدین‌القدسی، مکتبة‌القدسی، قاهرة، ۱۴۱۴ق، ۱۹۹۴م.

۴۸. هیکل، محمدحسین، زندگانی محمد، مترجم ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۰ش.

49. Edward W Said, Orientalism, New Delhi, Penguin Books, 1995.
50. Ibn Warraq, why I am not a Muslim, United State, Prometheus books, 1995.
51. Hanks, Patrick; Pearsall, Judy; Stevenson, Angus; Oxford dictionary of English, Oxford University Press, 2010.
52. Muir, Sir William, The Life of Mahomet: From Original Sources, Smith, Elder & CO., London, 1878.
53. Rodinson, Maxime, Muhammad: Prophet of Islam, London, Tauris Parke, 2002.
54. Spenser, Robert, Islam unveiled, United State, Ecounter books, 2002.
55. ----------, The Truth about Muhammad, Regnery Publishing, Washington DC, 2006.

[ Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-22 ]

[ DOR: 20.1001.1.17352770.1398.19.39.7.7 ]